

راہ بسوی امام مہدی

(مکن الله له في الأرض)

نویسنده

شیخ محمد حریشاوی

چاپ دوم

۱۴۳۲ هـ - ۲۰۱۱ م

برای آگاهی بیشتر در مورد دعوت سید احمد حسن علیه السلام

می توانید به سایت اینترنتی ذیل مراجعه کنید:

<http://mahdyeen.org/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هدیه

به محمد المصطفی ﷺ

به علی المرتضیٰ ﷺ

به فاطمة الزهراء ﷺ

به حسن المجتبیٰ ﷺ

به حسین العظیم ﷺ شهید در کربلاء

اللهم صلی علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدیین وسلم تسليماً كثيراً

وامیدوارم این مقدار ناچیز را به بهترین وجه از من قبول کنید .

مقدمه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ
وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۱).

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید! هر کس پیروی شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد! و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود، هرگز احدی از شما پاک نمی‌شد؛ ولی خداوند هر که را بخواهد تزکیه می‌کند، و خدا شنوا و داناست!)

این کلمات ساده را می‌نویسم تا بعضی از طرق و راه‌های حقیقی بسوی امام مهدی علیه السلام از میان سخنان اهل بیت علیهم السلام را روشن کنم. و کلام آنها حقیقتی واضح از خداوند متعال است؛ زیرا که کلام آنها کلام شخص عادی نیست، و نه گمان است و نه رای بلکه از طرف خداوند سخن می‌گویند، و آنها قرآن ناطق هستند، و حق مبین از خداوند هستند.

وجه گفتاری بهتر از گفتار آنها، وجه کلامی برتر از قرآن و حدیث اهل بیت علیهم السلام، خود از آن می‌نوشم و شما را از آن می‌نوشانم، و از میان کلام آنها علیهم السلام راه بسوی امام مهدی علیه السلام را روشن می‌کنم، و بایاری خداوند متعال و اهل بیت اطهار علیهم السلام و پیامبران و فرستادگان و اولیاء و اوصیاء، مرا از لغزش زبان و ارتکاب گناه حفظ کنند و بر نهج و راه محمد و آل محمد ثابت قدم و متمسک نگه دارند.

وصلِّ اللهم على محمد وآل محمد، وعجل قيام قائم آل محمد واجعلنا من أنصاره
وأعوانه واحشرنا معه في الدنيا والآخرة بمحمد وآل محمد، والحمد لله رب العالمين.

﴿وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ (۱).

(و خداوند، پروردگار من و شماست! او را پرستش کنید؛ این است راه راست!)

شیخ محمد حریشاوی

۲۰ / جمادی الاول / ۱۴۲۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللهم صلِّ على محمد وآل محمد الأوصياء المرضيين، وصلِّ على جميع أنبيائك ورسلك بأفضل صلواتك، وبارك عليهم بأفضل بركاتك، وصلِّ على أرواحهم وأجسادهم، اللهم بارك على محمد وآل محمد، وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته وكرمته وشرفته وعظمت قدره.

اللهم بارك لي في ما أنعمت به عليّ حتى لا أشكر أحداً غيرك، ووسع عليّ في رزقي يا ذا الجلال والإكرام، اللهم وما فقدت من شيء فلا تفقدني عونك عليه، حتى لا أتكلف ما احتاج إليه.

يا ذا الجلال والإكرام، يا مقلب القلوب والأبصار، يا مدبر الليل والنهار، يا محول الحول والأحوال، حول حالنا إلى أحسن حال، وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين، والحمد لله رب العالمين.

وجود امام مهدي عليه السلام

﴿أَمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِرَبِّكُمْ إِنَّكُمْ لَعِنْدَهُ صَادِقِينَ﴾ ﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾^(١).

(يا کسی که آفرینش را آغاز کرد، سپس آن را تجدید می‌کند، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! بگو: «دلالتان را بیاورید اگر راست می‌گویید!» بگو: «کسانی که در آسمانها و زمین هستند غیب نمی‌دانند جز خدا، و نمی‌دانند کی برانگیخته می‌شوند!»)

واز اعتقادات مورد تأکید این است که امام مهدی علیه السلام بین ما موجود است. و از عترت اطهار علیهم السلام روایت شده که بعد از غیبت طولانی ظاهری شود و زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از اینکه پراز ظلم و ستم شده است.

خداوند متعال میفرماید: ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^(۱)،

بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند! ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید!

یعنی خداوند زمین را بوسیله عدل قائم در هنگام ظهورش زنده می کند، بعد از اینکه بوسیله ظلم و ستم ائمه ی گمراهی مرده بوده است.

وعن أبي جعفر محمد بن علي الباقر علیه السلام في معنى قول الله تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^(۲)

(ای کسانی که ایمان آورده اید! در برابر مشکلات و هوسها، استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!)

قال: (اصبروا على أداء الفرائض، وصابروا عدوكم، ورابطوا إمامكم المنتظر)^(۳).

واز ابی جعفر محمد بن علی باقر علیه السلام در معنای کلام باری تعالی می فرماید: (بر انجام واجبات صبر کنید، و بر دشمن خود صبر پیشه کنید، و با امامی که منتظرش هستید ارتباط برقرار کنید).

۱- حدید: ۱۷.

۲- آل عمران: ۲۰۰.

۳- غیبت- نغانی: ۳۴.

وامیر مومنین علیه السلام می فرماید: (لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله من یسلکه) ^(۱).

(در طریق هدایت بدلیل کمی همراه و ره رو وحشت نکنید).

وهیچ کس - از دوستانش- وجود امام مهدی علیه السلام را منکر نمی شود و بسیاری از مردم در هنگام دعای گویند: (اللهم کن لولیک الحجة ابن الحسن فی هذه الساعة ... الخ)، و می گویند: (اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه) و زیارات مخصوص برای امام علیه السلام ، و تمام اینها از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است، و در اینجا همه به وجود امام مهدی علیه السلام سر تسلیم فرو می آورند و حتماً بعد از این غیبت طولانی ظهور خواهد کرد، همانطور که از اهل بیت علیهم السلام روایت شده تا در سرزمین خدا به حاکمیت خدا حکومت کند.

شناخت امام مهدی علیه السلام

بعد از اینکه وجود امام را قبول کردیم و نیز قبول کردیم که زمین از حجت [خدا] خالی نمی شود. پس بر ما واجب است که به چگونگی شناخت این امامی که الگوی حق مبین برای خداوند سبحان است اندیشه ای بکنیم.

و از خود پرسیم که آیا راه های کافی و قطعی برای بهتر شناختن امام علیه السلام وجود دارد که روی آنها حرکت کنیم.

اگر بگوییم که در آنجا از اهل بیت علیهم السلام علامات حتمیه آمده است مانند: خروج یمانی و سفیانی و خراسانی ، صیحه در ماه رمضان ، و قتل نفس زکیه بین رکن و مقام ، و خسف در بیداء (فرورفتگی زمین در صحرا) ، و در آنجا علامات غیر حتمیه زیادی است که بیشتر آنها تحقیق یافته است.

می گویم: این علامات دلیل قطعی برای شناخت امام علیه السلام نیست، بلکه ما نیازمند دلیل قطعی هستیم که فوق آن علامات ها باشد، زیرا که ما نمی دانیم یمانی کیست و سفیانی چه کسی است و خراسانی کیست، و نیز نمی دانیم نفس زکیه که بین رکن و مقام کشته می شود چه کسی است، و همچنین علامات باقیمانده، پس باید در آنجا کسی باشد که با توجه به تفسیر قرآن و سنت صحیح روایت را تفسیر درست و بدون خطا تفسیر کند .

و آشکار است کسی تفسیر قرآن را در نمی یابد جز راسخون و ریشه داران در علم ، و ریشه داران در علم آنها اهل بیت پیامبر علیهم السلام هستند ، و تمام تفاسیری که اکنون در اختیار داریم همه آنها تفاسیر ظنی و گمانی هستند، ^(۱) اما تفسیر حق جزء خداوند و راسخون در علم نمی داند ، پس از حکمت الهی بدور است که بندگان را بدون وجود حجت بر آنها رها سازد ، بنابر این وجود زمینه ساز از جانب امام مهدی علیه السلام لازم ضروری است و دلیل مهمد این است که با قرآن بیاید ، زیرا که ما قبلاً گفتیم جز راسخون در علم تفسیر آن را نمی دانند ، و اگر این مهمد به امام متصل باشد پس باید تفسیر قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام را بشناسد.

۱- طبعاً باستثناء الموسوعات الحدیثیة المرویة عن أهل البيت : فی هذا الموضوع.

از ابی عبد الله، از پدرانش، از امیر مومنین علیه السلام، فرمودند: (قال رسول الله صلی الله علیه و آله في الليلة التي كانت فيها وفاته لعلي عليه السلام : يا أبا الحسن احضر صحيفة ودواة، فأملی رسول الله صلی الله علیه و آله وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع فقال: يا علي، انه سيكون بعدي اثنا عشر إماماً، ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً، فأنت يا علي أول الأثني عشر إمام، وساق الحديث إلى أن قال: وليسلمها الحسن عليه السلام إلى ابنه م ح م د المستحفظ من آل محمد عليه و آله فذلك اثنا عشر إماماً، ثم يكون من بعده اثنا عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين له ثلاثة أسامي: اسم كاسمي واسم أبي وهو عبد الله وأحمد، والاسم الثالث المهدي، وهو أول المؤمنين) ^(۱).

(رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب وفاتش به حضرت علی عليه السلام فرمودند: ای ابا الحسن صحیفه ودوات برایم حاضر کن ، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیت خود را نوشتند تا اینکه به این موضوع رسیدند پس فرمودند: ای علی بعد از من دوازده امام خواهند بود ، و بعد از آنها دوازده مهدی ، وتوای علی اولین دوازده امام هستی، و بدین ترتیب حدیث خود را ادامه داد و فرمودند: وحسن عليه السلام آن را به فرزندش م ح م د مستحفظ از آل محمد صلی الله علیه و آله تسلیم کند پس آنها دوازدهم امام هستند ، سپس بعد از او دوازده مهدی خواهند بود. و اگر وفات به سراغش آمد آن را به فرزندش تسلیم کند، و او اول مهديين است و دارای سه نام است : نامی مانند نام من و نام پدرم و او عبد الله و احمد، و نام سوم مهدی است ، و او اول المؤمنين (اولین ایمان آورندگان) است.

و امام صادق عليه السلام فرمودند: (إن منا بعد القائم اثنا عشر مهدياً من ولد الحسين عليه السلام) ^(۲).

همانا از ما بعد از قائم دوازده مهدی از فرزندان حسین است).

وفي البحار: (قلت للصادق جعفر بن محمد عليه السلام: يا بن رسول الله، سمعت من أبيك عليه السلام أنه قال يكون من بعد القائم اثنا عشر اماماً ، فقال: إنما قال اثنا عشر مهدياً، ولم

۱- بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۴۸، البرهان: ج ۳ ص ۳۱۰، غيبة طوسی: ص ۳۸۵.

۲- بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۴۸، البرهان: ج ۳ ص ۳۱۰، غيبة طوسی: ص ۳۸۵.

يقول اثنا عشر إماماً، ولكنهم قوم من شيعتنا يدعون الناس إلى مولاتنا ومعرفة حقنا^(۱).

ودر بحار الانوار: (به امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام گفتم: ای فرزند رسول خدا ، از پدرت علیه السلام شنیدم که فرمودند: بعد از قائم دوازده امام می باشند ، پس فرمودند: همانا فرمودند دوازده مهدی، ودوازده امام نگفتند، اما آنها قومی از شیعه ی ما هستند ، مردم را به پیروی از ما و معرفت حق ما دعوت می کنند.

واز امیر مومنین علیه السلام در خبری طولانی فرمودند: (... ألا وإن أولهم من البصرة وآخرهم من الأبدال ...) ^(۲).

(...آگاه باشید که اولین آنها از بصره و آخرین آنها از ابدال است...)

واز امام صادق علیه السلام در خبری طولانی اصحاب قائم علیه السلام را یاد کردند : (... ومن البصرة ... أحمد...) ^(۳).

(...واز بصره ... احمد...)

امام باقر علیه السلام فرمودند: (له - أي القائم - اسمان؛ اسم يخفى واسم يعلن، فأما الذي يخفى فأحمد، وأما الذي يعلن فمحمد) ^(۴).

(برای او- یعنی قائم - دو نام است؛ نامی مخفی و نامی آشکار، و اما نامی که مخفی است احمد ، و نامی که آشکارا ست محمد).

واز امام باقر علیه السلام: (مشرف الحاجبين، غير العينين، بوجهه أثر) ^(۵).

(ابروانی از میان بلند ، چشمان بزرگ، در صورتش اثری است)

۱- کمال الدین: ج ۲ ص ۳۵۸.

۲- بشارة الإسلام: ص ۱۴۸.

۳- بشارة الإسلام: ص ۱۸۱.

۴- کمال الدین: ج ۲ باب ۵۷ ص ۶۵۳.

۵- إلزام الناصب: ج ۱ ص ۴۱۷.

و خداوند متعال می فرماید: ﴿رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^(۱).

(پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تورا بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار، قادری)!)

اکنون ، باید در آنجا کسی باشد که با صاحبان علم و عترت علیهم السلام متصل باشد ، و در زمان ما امام حجت بن الحسن مهدی علیه السلام و از بدیهیات است کسی که بامعصوم متصل باشد علم را از او می گیرد ... والا هیچ ، و هر کس که به آنچه در قرآن و عترت علیهم السلام آمده مخالف کند همانطور که در روایت آمده او هلاک شده وگمراه و کافراست.

از عبد الرحمن، به ابی حسن علیه السلام گفت: خداوند به چه چیزی وحی کرد؟ فرمود: (یا یونس، لا تكون مبتدعاً، من نظر برأیه هلك، ومن ترك أهل بیت نبیه ضل، ومن ترك كتاب الله وقول نبیه كفر)^(۲).

(ای یونس ، بدعت گداز مباش ، هرکس به رأی خود نظر دهد هلاک شده ، و هرکس که اهل بیت پیامبر علیه السلام را ترک کند گمراه شده ، و هرکس که کتاب خدا و کلام پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک کند کافراست).

امام علی علیه السلام ، فرمودند: (قال رسول الله صلی الله علیه و آله: تتفرق أمتی علی ثلاث وسبعین فرقة، فرقة منها ناجية والباقون هالكون، والناجون الذين يتمسكون بولایتکم ویقتبسون من علمکم ولا يعملون برأیهم فأولئك ما علیهم من سبیل)^(۳).

(رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شوند ، یک فرقه از آنها نجات یافته است و بقیه هلاک شدگان هستند، و نجات یافته گان کسانی

۱- بقره: ۱۲۹.

۲- کافی: ج ۱ ص ۵۶.

۳- وسائل الشیعة: ج ۱۸ ص ۳۱.

هستند که به ولایت شما متمسک می شوند و از علم شما می آموزند و به رأی خود عمل نمی کنند پس آنان هیچ راه (گمراهی) بر آنها نیست)

وقال الله تعالى: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

العقاب﴾^(۱).

(آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهي کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا پرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!)

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمودند: (إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي أهل بيتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا)^(۲).

(ومن دو امانت گرانها را در بین شما ترک می کنم کتاب خدا وعترت اهل بیتم که اگر به آنها تمسک جوئید گمراه نمی شوید).

دلائل قرآنی و روایتی در این زمینه فراوان است ، مختصراً به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

امام رضا علیه السلام، فرمودند: (شيعتنا المسلمون لأمرنا، الآخذون بقولنا، المخالفون لأعدائنا، فمن لم يكن كذلك فليس منا)^(۳).

(شیعه ی ما کسانی هستند که تسلیم امر ما باشند ، به گفتار ما عمل می کنند ، مخالف دشمنان ما هستند، و اگر این چنین نباشند از ما نیستند)

امیر مومنین علیه السلام ، فرمودند: (من أخذ دينه من أفواه الرجال أزالته الرجال، ومن أخذ دينه من الكتاب والسنة زالت الجبال ولم يزل)^(۴).

۱- الحشر: ۷.

۲- كفاية الأثر للخزاز: ص ۱۶۲ - ۱۶۳.

۳- وسائل الشيعة: ج ۱۸ ص ۸۳.

۴- وسائل الشيعة: ج ۱۸ ص ۹۵.

کسی که دین خود را از دهان مردان بگیرد همان مردان هستند که او را از راه خارج می کنند ، و کسی که دین خود را از کتاب و سنت بگیرد کوها از بین رفته اما او از بین نمی رود).

واز ابی عبد الله علیه السلام، می فرمودند: (ما أحد أحب إليّ منكم، إن الناس سلکوا سبلاً شتی، منهم من أخذ بهواه، ومنهم من أخذ برأيه، وإنکم أخذتم بأمرله أصل) ^(۱).

(هیچ کس به اندازه شما نزد من محبوب نیست ، زیرا مردم راه های مختلفی را درپیش گرفتند ، بعضی از آنها طبق هوای نفسش رفته ، و بعضی از آنها به رأی خود عمل کرده ، ولی شما امری را درپیش گرفتید که دارای اصل و اساس است).

واز ابی جعفر علیه السلام، فرمودند: (لیس عند أحد من حق ولا صواب. ولا أحد من الناس یقضي بقضاء حق إلا ما خرج من عندنا أهل البيت، وإذا تشعبت بهم الأمور کان الخطأ منهم والصلوب من علی علیه السلام) ^(۲).

(نزد هیچ کسی حق و رشد نیست ، و هیچ یک از مردم به حق داوری نمی کند جز اینکه از ما اهل بیت صادرشده باشد ، و هرگاه که امور بر آنها منشعب و متفرع شد خطا از آنهاست و رشد و صواب از علی علیه السلام است).

بنابر این از آن درشک و تردید نباشید که درآینده پشیمان خواهید شد و از هوای نفستان پیروی می کنید همانطور که گذشت گان از قبل عمل کردند،

خداوند متعال فرمودند: ﴿مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ﴾ ^(۳).

(آنان [منافقان] همانند کسی هستند که آتشی افروخته (تا در بیابان تاریک، راه خود را پیدا کند)، ولی هنگامی که آتش اطراف او را روشن ساخت، خداوند (طوفانی

۱- وسائل الشیعة: ج ۱۸ ص ۳۱.

۲- وسائل الشیعة: ج ۱۸ ص ۴۶.

۳- بقره: ۱۷.

می فرستد و آن را خاموش می کند؛ و در تاریکی های وحشتناکی که چشم کار نمی کند، آنها را رها می سازد.

وقال الله سبحانه: ﴿وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾^(۱).

(آیا وقت آن نرسیده است که دل های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟! و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلب هایشان قساوت پیدا کرد؛ و بسیاری از آنها گنه کارند!)

صراط مستقیم

خداوند متعال می فرماید: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿۱﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ (۱).

(ما را به راه راست هدایت کن... راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی؛ نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای؛ و نه گمراهان.)

برای هر زمانی صراط مستقیمی است. و صراط مستقیم همان طریق حق محض و خالی از متعلقات صراط باطل است.

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْمُونَ﴾ (۲).

(و حق را با باطل نیامیزید! و حقیقت را با اینکه می‌دانید کتمان نکنید!)

و حق محض و خالص حضرت محمد ﷺ و حضرت علی علیه السلام و عترت پاک علیهم السلام هستند ، و آنان صراط مستقیم بسوی خداوند متعال هستند ، یعنی آنها همان صراط خدا بسوی خدا هستند. و برای هر صراط مستقیم راهی وجود دارد ، اگر صراط مستقیم خدا همان محمد و علی و اهل بیت باش علیهم السلام ند پس چه کسی می تواند راه (سبیل) مستقیم بسوی محمد و آل محمد باشد ، و این شناخت نمی تواند از حیث اسم و عاطفه و ظاهر باشد ، بلکه شناخت حق محض از این پاکان است که خداوند متعال آنان را بر جهانیان برتری داده است.

بعد از اینکه دانستیم که اهل بیت علیهم السلام آنها صراط مستقیم برای رسیدن به شناخت خداوند متعال هستند ، و در حال حاضر صراط مستقیم برای شناخت خداوند همان امام مهدی علیه السلام است ، و قبلاً گفتیم که برای هر صراط مستقیم حتماً راه مستقیمی وجود دارد ، و دانستیم که شناخت خداوند به صراط مستقیم وابسته است و او امام مهدی علیه السلام است ، و همچنین شناخت امام مهدی علیه السلام به راه مستقیم وابسته

۱- فاتحه: ۶ - ۷.

۲- بقره: ۴۲.

است، پس وجود م مهد و زمینه ساز که متصل به صراط مستقیم باشد از ضروریات است و او امام مهدی علیه السلام است ، زیرا او حق محض از سوی خداوند متعال است ، و حق محض موجود است و آن قرآن کریم است ، پس اگر حقیقت آن م مهد از قرآن باشد پس واجب است از میان مردم دنبال او بگردیم، واگر او مخالف قرآن باشد پس این م مهد نیست.

حال به این نتیجه می رسیم که خداوند متعال موجود است و امام مهدی علیه السلام موجود است و نیز م مهد برای امام علیه السلام موجود است.

اما اختلاف و شبه در کیفیت و چگونگی شناخت خداوند متعال است، واگر خداوند را شناختی رسول امام مهدی علیه السلام را می شناسی ، واگر رسول را شناختی امام مهدی علیه السلام را خواهی شناخت.

و بعد از اینکه دانستیم که شناخت خداوند متعال و شناخت امام مهدی علیه السلام و شناخت فرستاده ای که از سوی امام مهدی علیه السلام است تمام شناخت آنها به صراط مستقیم وابسته است ، واگر بخواهیم صراط مستقیم را بشناسیم باید مراحل زیر را طی کنیم.

تعیین حق :

حق از سوی خداوند متعال معین شده است و نیازی به تعیین ندارد ، بلکه نیاز به کشف و توضیح و تفسیر دارد . خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾^(۱).

(آنان هیچ مثلی برای تو نمی آورند مگر اینکه ما حق را برای تو می آوریم، و تفسیری بهتر)

حال حق تعیین شده از سوی خداوند سبحان آن همان قرآن کریم است و اهل بیت علیهم السلام، و آنها قرآن ناطق درین بندگان هستند، و یک سؤال می پرسم: آیا قرآن وعترت آنها حق اند یا خیر؟

پس اگر بگویید آنها حق اند، پس چرا در دین تان اختلاف دارید؟ و می گوید در زمان ما حق نیست!

به شما می گویم: حق تعیین شده از سوی خداوند متعال است، و کلام شما به اینکه امروز حق نیست این اعتراض بر خداوند متعال است، پس اگر در آنجا از جانب خداوند حقی تعیین نشده باشد، اکنون خداوند شما برچه چیزی مورد حساب و کتاب قرار

می دهد؟ و بخاطر چه چیزی شما را عذاب می دهد؟ و بر اساس چه چیزی بعضی ها را وارد بهشت و جهنم می کند؟

نه ای گوینده، حق وجود دارد و از سوی خدا تعیین شده است و آن قرآن و اهل بیت علیهم السلام هستند اما کوتاهی از کسانی است که کتاب را با دست خود می نویسند و می گویند که این از طرف خداوند است، کسانی هستند که از قرآن و سنت پیروی نمی کنند، حتی آنها حق را مخفی کردند و آن را نزد مردم ازبین بردند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمودند: (سیأتي عليكم من بعدي زمان ليس فيه شيء أخفى من الحق، ولا أظهر من الباطل، ولا أظهر من الكذب على الله ورسوله، وليس عند ذلك الزمان سلعة أبور من الكتاب - القرآن - إذا تُلي حق تلاوته، ولا أنفق منه إذا حرف عن مواضعه، ولا في البلاد شيء أنكر من المعروف، ولا أعرف من المنكر) ^(۱).

(بعد از من زمانی بر شما خواهد آمد که در آن چیزی مخفی تر از حق، و آشکارتر از باطل نیست، و آشکارتر از دروغ بر خدا و رسولش نیست، و در آن زمان وسیله ای بی ارزش تر از کتاب، قرآن، نیست اگر تلاوتش به حق تلاوت شود، و از دست رفته تر از آن نیست وقتی که از جایگاهش تحریف شد، و در کشورها چیزی منکرتر از معروف، و معروف تر از منکر نیست)

واز امام صادق علیه السلام، فرمودند: (... فإذا رأيت الحق قد مات وذهب أهله، ورأيت الجور قد شمل البلاد، ورأيت القرآن قد خلق وأحدث فيه ما ليس فيه ووجهه على الأهواء، ورأيت الدين قد انكفى كما ينكفي الماء، ورأيت أهل الباطل قد استعلوا على أهل الحق، ورأيت الشر ظاهراً لا ينهى عنه ويعذر أصحابه ...) ^(۱).

(... پس اگر دیدی حق از بین رفته و اهلش نیز از میان رفته باشند، و اگر دیدی که ظلم همه ی کشورها را فراگرفته است، و اگر دیدی که قرآن جدیدی بوجود آمده و چیزهایی در آن روی داده که در آن نیست و از روی هوی و هوس توجیه می شود، و اگر دیدی که دین چپ شده (از بین رفته) همانند آب که چپ شود، و اگر دیدی که اهل باطل بر اهل حق بر ترشدند، و اگر دیدی که شر آشکاراست و از آن نهی نمی کنند و اصحابش را معذور می دارد ...)

بعد از اینکه حق را روشن کردیم و آن قرآن و اهل بیت علیهم السلام هستند، پس بر ما واجب است که از گفته های قرآن پیروی کنیم و به آنچه که اهل بیت علیهم السلام به ما امر کردند عمل کنیم و از آنچه که نهی کردند دوری جوئیم.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمودند: (إنكم في زمان من ترك عشر ما أمر به هلك، وسيأتي عليكم زمان من عمل بعشر ما أمر به نجا) ^(۲).

(شما در زمانی هستید که اگر یک دهم چیزی که به آن امر شدید ترک کنید هلاک می شوید، ولی زمانی خواهد آمد که اگر به یک دهم چیزی که به شما امر شده عمل کنند نجات می یابید).

و کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله دلیل بر این است که اکنون طبق آنچه که اهل بیت علیهم السلام به ما امر کردند عملی یافت نمی شود و اگر به یک دهم آن عمل می شد مردم از تفرقه و فتنه نجات پیدا می کردند.

۱- کافی: ج ۸ ص ۳۷ - ۳۸.

۲- کنز الفوائد - الکرآجکی: ص ۹۷.

اظهار و روشن سازی حق:

بعد از اینکه دانستیم که حق از سوی خدا تعیین شده است پس بر ما واجب است که آن را روشن سازیم، و از بیان آن چیزی درک نخواهیم کرد، جز آنکه بعد از مطالعه ی عصر جاهلیت و سیره ی پیامبران و فرستادگان و آنچه بین آنها و اقوام شان گذشته است.

در اینجا عصر جاهلیت را بطور مختصر و ساده بررسی می کنیم، و آیا ما اکنون در عصر جاهلیت زندگی می کنیم و آن را احساس نمی کنیم و به آن توجه نمی کنیم؟

عصر جاهلیت:

چرا آنها بت ها را می پرستیدند؛ چون آنها بوجود خدایی اعتقاد داشتند، برای همین است آنها خدایی بر حسب ظن و گمان و رأی بزرگان شان برای خود در نظر گرفتند، و خداوند خالق حقیقی را نشناختند، و به همین دلیل خداوند پیامبران و فرستادگان را مبعوث کرد؛ تا خداوند متعال را بشناسند و خداوند متعال می فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا﴾^(۱)، (و هنگامی که به آنان گفته شود: «برای خداوند رحمان سجده کنید!» می گویند: «رحمان چیست؟! (ما اصلا رحمان را نمی شناسیم!) آیا برای چیزی سجده کنیم که تو به ما دستور می دهی؟!» (این سخن را می گویند) و بر نفرتشان افزوده می شود!) و آیات بسیاری بر همین روش و شیوه هستند.

آنها بر حسب ظن و رأی خود حلال و حرام می کردند، و جشن و پایکوبی را بر پا می کردند و زنان را برای قصه می آوردند و در نزد آنها نه عفت و نه شرفی بود و از خوردن خمر دست بر نمی داشتند، کسی که دارای اموال زیادی باشد محترم شمرده می شود و تقدیر و تقدیس می شود اما فقیر خوار و ذلیل است، و هنگامی که حکم می کنند حکم آنها بر اساس رغبت و شهوت ها و لذت و تمتع و راحتی و میل نفس آنهاست،

آنها برده بودند نه آزاده ، بعضی از آنها برده ی بت ها بودند ، و بعضی از آنها برده ی همسر و فرزندانیش بودند ، و بعضی برده ی اموال خود است...الخ.

و در عصر جاهلیت امور زیادی است که فرصتی نیست همه آنها را ذکرکنم و بر کسی که بدنبال حق است واجب است عصر جاهلیت را مطالعه کند و آن را با زمان کنونی ما مقایسه و مقارنه کند و با سخنان اهل بیت علیهم السلام و قرآن کریم و همچنین دشمنان پیامبران و فرستادگان چه کسانی هستند مطابقت کند .

عصر حاضر و دشمنان امام مهدی علیه السلام :

۱- آیا در نزد ما بت پرستان یافت می شوند و ما احساس نمی کنیم ؟

امام باقر علیه السلام فرمودند: (یتغیر أهل الزمان حتی یعيدوا الأوثان، ویتلی المؤمنون، وتولد الشکوک فی القلوب، وتخلع ربقة الدين من الأعناق) ^(۱).

اهل زمان تغییر خواهند کرد تا اینکه بت ها را باز می گردانند ، و مؤمنان مورد امتحان قرار می گیرند ، و دردل ها شک و تردید بوجود می آید ، و ریسمان دین ازگردن ها خلع می شود [ترک سنت نموده]

واز أبی بصیر، از صادق علیه السلام، فرمودند: (قلت له ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ

دُونِ اللَّهِ﴾ ^(۲) ، فقال علیه السلام: أما والله ما دعوهم إلى عبادة أنفسهم، ولو دعوهم إلى عبادة أنفسهم ما أجابوهم، ولكن أحلوا لهم حراماً وحرّموا عليهم حلالاً، فعبدوهم من حيث لا يشعرون) ^(۳).

(به اوگفتم) (آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبود هایی در برابر خدا قرار دادند،) ، پس علیه السلام فرمودند: (به خدا سوگند (علمای بی عمل) مردم رابه عبادت خود

۱- يوم الخلاص ص ۴۲۵.

۲- توبه: ۳۱.

۳- البرهان في تفسير القرآن: ج ۱۰ ص ۱۲۰، أصول الكافي: ج ۱ ص ۷۳.

دعوت نکردند، و اگر مردم را به عبادت خود دعوت می کردند اجابت نمی کردند، اما حلالی را حرام و حرامی را حلال کردند، و مردم بدون اینکه چیزی احساس آنها را عبادت کردند)

حال، عبادت بت ها وجود دارد. و اکنون ما در این زمان می بینیم که دین مهم نیست، بلکه مهم این است که زندگی بکنیم و اموالی را کسب کنیم و بدون اینکه توجهی به محل جمع آوری و صدور آنها داشته باشیم خواه حلال یا حرام بوده باشد، مهم این است که (فقط) نام شان دینار باشد، و می بینیم که مردم برای دنیا و نه برای آخرت باهم رقابت می کنند، و گویا مردم برای آباد کردن دنیای خود با هم مسابقه دارند، و صبح می کنند که یکی بردیگری برتر باشد، خداوند متعال را فراموش کردند حتی خود را فراموش کردند تا آنجایی که دیگر مردم دنبال رو پیامبر نیستند و به عمل هیچ وصی اعتقاد ندارند و به غیب ایمان ندارند و از عیب مردم گذشت نمی کنند!! حال دشمنان امام مهدی علیه السلام همان هایی هستند که بت ها را پرستش می کنند.

و در اینجا دو باره سؤال تکراری شود: بت ها چه کسانی هستند؟

بطور واضح می توان گفت که بت ها همان کسانی که برای غیر تفقه می کنند و برای غیر علم و آن قرآن است می آموزند، و دنیا را با عمل آخرت می طلبند، و کسانی که قلب هایشان مانند قلب گرگ است، و تلخ تر از صبر [نوعی گیاه بسیار تلخ] است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمودند: (قال: أوحى الله إلى بعض أنبيائه قل للذين يتفقهون لغير الدين، ويتعلمون لغير العمل، ويطلبون الدنيا لغير الآخرة، يلبسون للناس مسوك الكباش وقلوبهم كقلوب الذئاب، ألسنتهم أحلى من العسل، وأعمالهم أمر من الصبر، إياي يخادعون وبي يستهزئون، لأتيحن لهم فتنة تذر الحكيم حيراناً)^(۱).

(فرمود: خداوند برای بعضی از پیامبرانش وحی نمود به کسانی که برای غیر دین تفقه می کنند، و برای غیر عمل علم می آموزند، و دنیا را بدون آخرت می طلبند، و مردم را گول می زنند و حق را ناحق می کنند و دل هایشان مانند دل گرگ است، زبان هایشان شیرین تر از عسل، و عمل شان تلخ تر از صبر است بگو، به من نیرنگ می زنند و مرا

مورد استهزاء قرار می دهند، فتنه ای برای آنها ایجاد کنم که دانشمند در آن سرگردان بماند)

پس آیا از خود پرسیدیم: چرا خدوند متعال آنها را به فتنه ای مبتلا کرد که باعث شده انسان دانا و بردبار حیران و سرگردان بماند؟ جواب: زیرا آنها قانون الهی را ترک کردند و از قانون خود پیروی کردند، وبخاطر اینکه آنها قانون الهی را ترک کردند لذا خداوند آنها را با فتنه ای امتحان کرد که انسان دانا و حلیم سرگردان و حیران بماند، تا آنجایی که آنها اگر از قانون خودشان سر پیچی کنند تنبیه و مورد عقاب قرار می گیرند، پس (حال و روز آنها) چگونه که اگر با قانون خداوند متعال مخالفت کنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله ، فرمودند: (الفقهاء أمناء الرسل ما لم يدخلوا في الدنيا، قيل: يا رسول الله، وما دخولهم في الدنيا؟ قال صلی الله علیه و آله: إتياع السلطان، فإذا فعلوا ذلك فاحذروهم عن دينكم)^(۱).

(فقه ها امین پیامبران هستند تازمانی که داخل دنیا نشوند، گفتند: ای رسول خدا، منظور از دخول آنها در دنیا چیست؟ فرمودند صلی الله علیه و آله: پیروی از پادشاه ، پس اگرچنین کردند از آنها در دین تان برحذر باشید)

رسول خدا صلی الله علیه و آله ، فرمودند: (العلماء أمناء الرسل على عباد الله ما لم يخالطوا السلطان، فإذا فعلوا ذلك فقد خانوا الرسول فاحذروهم)^(۲).

(علما امانتداران پیامبران بریندگان خداهستند تا وقتی که با پادشاهان رفت و آمد نداشته باشند، واگر این چنین کردند به پیامبران خیانت کرده و از آنها برحذر باشید).

پس ، بر مرد دین یا عالم به امور دین واجب است که به قانون خداوند سبحان عمل کند نه به قانون آراء مردم، و برحسب چیزی که تعبیری کنند می گویند: می خواهیم که ملت به رای خود تعبیر و عمل کنند.

و در اینجا یک سؤال می پرسم : اگر رأی ملت مخالف قانون خدا باشد، چه کار می کنید و درحالی که شماها عالم و امین برای پیامبران علیهم السلام هستید؟ آیا با قانون خدا

۱- کافی: ج ۱ ص ۴۶.

۲- إيقاظ العلماء وتيه الأمراء: ص ۶۱.

مخالفت می کنید واز هوی و آراء مردم پیروی می کنید، آیا این خیانت به رسول خدا صلى الله عليه وآله نیست؟ و کسی که به رسول خدا صلى الله عليه وآله خیانت کند به خدا خیانت کرده است، و کسی که به رسول خدا صلى الله عليه وآله و خدا سبحان خیانت کند جایگاهش جنهم و بد منزل گاهی است.

رسول خدا صلى الله عليه وآله ، فرمودند: (شرار العلماء الذين يأتون الأمراء، وخيار الأمراء الذين يأتون العلماء) ^(۱).

(شروترین علما کسانی هستند که برای امیران رابطه دارند، و بهترین امیران کسانی هستند که با علما دوست هستند).

رسول خدا صلى الله عليه وآله ، فرمودند: (سيكون أمراء تعرفون منهم وتتكرون، فمن أنكر فقد براء، ومن كره فقد سلم، ولكن من رضي وتابع أبعده الله ...) ^(۲).

(امیرانی خواهند بود که چیزهایی از آنها می دانید و منکر آنها می شوید، پس کسی که منکر شد به تحقیق تبرئه شد، و کسی که ناراضی شد سالم ماند، ولی کسی که راضی شد و پیروی کرد خداوند او را دور کرد...).

رسول خدا صلى الله عليه وآله ، فرمودند: (أكمل الناس عقلاً أخوفهم لله وأطوعهم له، وأنقص الناس عقلاً أخوفهم للسلطان وأطوعهم له) ^(۳).

(کامل ترین مردم از نظر عقلی ترسوترین آنها از خدا و مطیع ترین آنها از او، و ناقص ترین مردم از نظر عقلی ترسوترین آنها از سلطان و مطیع ترین آنها از اوست).

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَإِنْ تَطَّعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾ ^(۴).

۱- المحجة البيضاء: ج ۱ ص ۱۴۴.

۲- بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۱۵۵.

۳- بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۱۵۴.

۴- أنعام: ۱۱۶.

گر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند؛ (زیرا) آنها تنها از گمان پیروی می نمایند، و تخمین و حدس (واهی) می زنند.)

۲- بر حسب گمان و رای خود حلال و حرام می کنند:

خداوند متعال می فرماید: ﴿كَلَّمَآ دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا ... قَالَتْ أَخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا﴾^(۱).

((خداوند به آنها) می گوید: «در صف گروه‌های مشابه خود از جن و انس در آتش وارد شوید!» هر زمان که گروهی وارد می شوند، گروه دیگر را لعن می کنند؛ تا همگی با ذلت در آن قرار گیرند. (در این هنگام) گروه پیروان درباره پیشوایان خود می گویند: «خداوند! اینها بودند که ما را گمراه ساختند؛ پس کیفر آنها را از آتش دو برابر کن! (کیفری برای گمراهیشان، و کیفری بخاطر گمراه ساختن ما.)» می فرماید: «برای هر کدام (از شما) عذاب مضاعف است؛ ولی نمی دانید! (چرا که پیروان اگر گرد پیشوایان گمراه را نگرفته بودند، قدرتی براغوای مردم نداشتند.)»

از چیزهای واضح این است که تشریح متعلق به علماست و آنها کسانی هستند که مردم را به حلال و حرام فتوی می دهند، و بر ما واجب که به این تشریح توجه کنیم که آیا آن از سوی خدا یا از غیر خداست، و چگونه می توانیم تشریح آنها را بشناسیم، اگر با تشریح اسلامی مطابقت داشت پس آن از سوی خداوند است؛ زیرا آنها آن را از قرآن و اهل بیت علیهم السلام گرفتند، اما اگر تشریح آنها با قرآن و سنت مخالف باشد پس این تشریح نیست، بلکه این تشریح ظن و رای به صفت اجتهاد است، به همین دلیل بین مجتهدین تفرقه می بینی و رای فلان مجتهد با فلان مجتهد مختلف است، برای چه؟! و در حالی که دین خدا در آن خلاقی نیست، اما دلیل تفرقه بین آنها عدم گرفتن کلام خداست و آن همان قرآن و ائمه ی اطهار علیهم السلام است؛ زیرا اگر آنها از قرآن و سنت تشریح می کردند، بین آنها اختلاف ایجاد نمی شد، چرا که قرآن و سنت و دین خدا و اسلام یکی هستند.

از امام صادق علیه السلام، فرمودند: (من أفتى الناس برأيه فقد دان الله بما لا يعلم، ومن دان الله بما لا يعلم فقد ضاد الله حيث أحل وحرم فيما لا يعلم) ^(۱).

(هرکسی که به رأی خودفتوی دهد به چیزی که نهی داند خداوند را اطاعت کرده است، وکسی که به چیزی که نهی داند خداوند را اطاعت کند به تحقیق ضد خداست، زیرا حلال و حرام می کند درحالی که نهی داند).

امام رضا علیه السلام، فرمودند: (شیعتنا المسلمون لأمرنا، الآخذون بقولنا، المخالفون لأعدائنا، فمن لم يكن كذلك فليس منا) ^(۲).

(شیعه ی ما کسانی هستند که امرما را اطاعت می کنند، به سخنان ما عمل می کنند، با مخالفین ما دشمن هستند، پس اگر کسی این چنین نباشد از ما نیست).

واز ابی عبد الله علیه السلام، فرمودند: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ ^(۳)، فقال: (أما والله ما دعوهم إلى عبادة أنفسهم ولو دعوهم ما أجابوهم، ولكن أحلوا لهم حراماً وحرموا عليهم حلال فعبدوهم من حيث لا يشعرون) ^(۴).

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾، ((آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند،) فرمودند: (به خدا سوگند (علمای بی عمل) مردم را به عبادت خود دعوت نکردند، و اگر مردم را به عبادت خود دعوت می کردند اجابت نهی کردند، اما حلالی را حرام و حرامی را حلال کردند، و مردم بدون اینکه چیزی بدانند آنها را عبادت کردند)

واز ابی جعفر علیه السلام، فرمودند: (من أصغى إلى ناطق فقد عبده، فإن كان الناطق يؤدي عن الله فقد عبد الله، وإن كان الناطق يؤدي عن الشيطان فقد عبد الشيطان) ^(۵).

۱- وسائل الشیعة: ج ۱۸ ص ۲۵.

۲- وسائل الشیعة (الإسلامیة): ج ۱۸ ص ۸۴.

۳- توبه: ۳۱.

۴- کافی: ج ۱ ص ۵۳.

۵- وسائل الشیعة: ج ۱۸ ص ۹۱.

(کسی که به سخنان گوینده ای گوش کند او را عبادت کرده است، پس اگر گوینده از خداوند بگوید به تحقیق خدا را عبادت کرده است، و اگر گوینده از شیطان بگوید پس به تحقیق شیطان را عبادت کرده است)

عن أبي محمد العسكري عليه السلام في قول الله تعالى: ﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ

يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾^(۱)، قال: هذه الآية لقوم من اليهود، إلى أن قال: وقال رجل

للصادق عليه السلام: إذا كان هؤلاء العوام من اليهود لا يعرفون الكتاب إلا بما يسمعون من علماءهم فكيف ذمهم بتقليدهم والقبول من علماءهم؟ وهل عوام اليهود إلا كعوامنا يقلدون علماءهم؟ إلى أن قال: فقال عليه السلام: بين عوامنا وعوام اليهود فرق من جهة وتسوية من جهة. أما من حيث الاستواء، فإن الله ذم عوامنا بتقليدهم علماءهم كما ذم عوامهم، وأما من حيث افترقوا فإن عوام اليهود كانوا قد عرفوا علماءهم بالكذب الصراح وأكل الحرام والرشا وتغير الأحكام وأخطروا بقلوبهم إلى أن من فعل ذلك فهو فاسق، لا يجوز أن يصدق على الله ولا على الوسائط بين الخلق وبين الله، فلذلك ذمهم.

وكذلك عوامنا إذا عرفوا من علماءهم الفسق الظاهر والعصبية الشديدة والتكالب على الدنيا وحرامها، فمن قلد مثل هؤلاء فهو مثل اليهود الذين ذمهم الله بالتقليد؛ لفسق علماءهم، فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً لهواه، مطيعاً لأمر مولاه فللعوام أن يقلدوه، وذلك لا يكون إلا بعض فقهاء الشيعة لا كلهم. فإن من ركب من الفضائح والفواحش مراكب علماء العامة فلا تقبلوا منهم عنا شيئاً ولا كرامة، وإنما كثر التخليط فيما يتحمل عنا أهل البيت لذلك الفسقة يتحملون عنا فيحرفونه بأسره لجهلهم، ويضعون الأشياء على غير وجهها لقلّة معرفتهم، وآخرون يتعمدون الكذب علينا الحديث^(۲).

از ابی محمد عسکری علیه السلام در فرمایش خداوند متعال: ﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ

بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾، (پس وای بر آنها که نوشته‌ای با دست خود

۱- بقره: ۷۹.

۲- وسائل الشيعة: ج ۱۸ ص ۹۵.

می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست.» تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند؛ و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند! فرمودند: این آیه در شأن قوم یهود نازل شده است، تا اینکه فرمود: و مردی به امام صادق علیه السلام گفت: اگر یهودیان مردمی عادی هستند که کتاب را نمی‌شناسند جز آنچه را که از علمای خود شنیدند، پس چگونه بسبب تقلید از علمای خود و قبول آنها مورد مذمت قرار گرفتند؟ و آیا مردم عادی یهود همانند مردم عادی ما علمای خود را تقلید می‌کردند؟ علیه السلام فرمودند: بین مردم عادی ما و مردم عادی یهود از یک جهت فرق و از جهت دیگر تشابه وجود دارد. اما دلیل تشابه آنها این است که خداوند همانطور که مردم عادی ما را بدلیل تقلید از علمایشان مذمت کرد مردم عادی یهود نیز مذمت شدند، و اما دلیل تفاوت آنها این است که مردم عادی یهود می‌دانند که علمایشان دروغگویان آشکار و حرام خور و رشوه گیر و احکام را تغییر می‌دادند و در دل خود آگاه بودند کسی که این اعمال را انجام دهد او یک فاسق است، و جایز نیست کلام آنها را به کلام خداوند و نه به واسطه هایی که بین مردم و خداوند هستند (نسبت داد) پذیرفت، و بدین دلیل آنها را مذمت کرد.

و همچنین مردم عادی ما اگر از علمای خود فساد آشکار و تعصب شدید و حرص و طمع دنیوی و خوردن حرام را بفهمند، پس هر کس که از این چنین اشخاص تقلید کند او هم مانند قوم یهود که خداوند آنها را بخاطر تقلید از علمای فاسق خود مورد مذمت قرار داد سرزنش می‌شود، و اما از فقه هایی که پاسدار نفس خود، و حافظ دین خود، و مخالف هوی و هوس خود، و مطیع اوامر امام خود باشد مردم عادی می‌توانند از او تقلید کنند، و آن شامل بعضی از فقه های شیعه می‌شود نه همه آنهاست. پس هر کس که مرتکب رسوایی و بدنامی و فسوق همانند ارتکاب علمای عامه شد، هیچ کرامتی و قولی از سوی ما از او قبول نکنید، و همانا تحریف احادیث اهل بیت زیاد شده و آن را به ما نسبت می‌دهند، بخاطر آن تبهکارانی که از ما می‌گیرند و بخاطر جهلشان تمامی آنها را تحریف می‌کنند، و بعلت کمی دانش آنها چیزها را به غیر وجه خود قرار می‌دهند، و گروهی دیگر عمدا احادیث دروغی را به ما نسبت می‌دهند).

وبعضی از علمای بزرگوار بر این روایت تفسیری دارند، وگفتند: اجازه تقلید در این جا همانا آن قبول روایت است نه قبول رأی واجتهداد و گمان است، و این واضح است ودر آن خلاقی دیده نمی شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: (إن قائمنا إذا قام استقبل من جهلة الناس أشد مما استقبله رسول الله صلی الله علیه وآله من الجاهلية، فقیل له: كيف ذلك؟ فقال: إن رسول الله صلی الله علیه وآله أتى الناس وهم يعبدون الحجارة والصخور والعيوان والخشب المنحوتة، وإن قائمنا إذا قام أتى الناس كلهم يتأولون عليه كتاب الله، ويحتج عليه به ويقاتلونه عليه، أما والله ليدخلن عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر والقمر) ^(۱).

(قائم ما چون قیام کند از جهل مردم شدیدتر از آنچه رسول خدا صلی الله علیه وآله با آن از سوی نادانان جاهلیت رو برو شد برخورد می کند، عرض کردم: این چگونه ممکن است؟ فرمود: همانا رسول خدا در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوبهای تراشیده و مجسمه های چوبین را می پرستیدند، و قائم ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که جملگی کتاب خدا را علیه او تأویل می کنند و برا و بدان احتجاج می نمایند، سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند که موج دادگستری او بدانگونه که گرما و سرما نفوذ می کند تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت)

یعنی بر حسب ظن ورأی خود به کتاب خدا از قائم استقبال می کنند، آن آراء متفاوتی که هیچ نفعی برای حق ندارند.

واز کلام ابن عربی: (أعداؤه مقلدة الفقهاء أهل الاجتهاد لما يروونه يحكم خلاف ما ذهب إليه أئمتهم، ولولا أن السيف بيده لأفتوا بقتله ولكن الله يظهره بالسيف والكرم فيطيعونه ويخافون، فيقبلون حكمه من غير إيمان بل يضمرون خلافه ..) ^(۲).

(دشمنان او مقلدین فقه های اهل اجتهادند آنگاه که می بینند او برخلاف فقه هایشان حکم می کند، و اگر شمشیر بدستش نبود فتوی به قتل او می دادند اما خداوند

۱- بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۶۱.

۲- عصر الظهور: ص ۳۷۰ - ۳۷۱.

او را باشمشیر و کرامت ظاهر می کند پس او را اطاعت می کنند و از او می ترسند ،
و حکم او را بدون ایمان قبول می کنند بلکه برخلاف آن پنهان می کنند...).

و از جعفر بن محمد علیه السلام، فرمودند: (یا نعمان، إياك والقياس فإن أبي حدثني عن
آبائه أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: من قاس شيئاً من الدين برأيه قرنه الله مع إبليس في
النار، فإن أول من قاس إبليس، حيث قال خلقتني من نار وخلقته من طين، فدع الرأي
والقياس وما قال قوم ليس له في دين الله برهان، فإن دين الله لم يوضع بآراء
ومقاييس) ^(۱).

(ای نعمان، از قیاس حذر کن همانا پدرم از پدرانم این حدیث را شنید که رسول
خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: هر کس که در دین به رأی خود قیاس و فتوی دهد خداوند او را
در جهنم قرین ابلیس می کند، زیرا ابلیس اولین کسی بود که قیاس کرد، و گفت مرا
از آتش و او را از گل آفریدی، پس قیاس و رأی آنچه را که مردم بدون برهان و دلیل
در دین خدا می گویند را ترک و رها کن، زیرا دین خدا بوسیله آراء و مقیاسها قرارداده
نشده است).

وأمیر المؤمنین علیه السلام يقول:

حال دین حقیقی همان دین خدا یعنی کلام خداوندی که بین دستان ما موجود
است، پس چرا دین خود را از کلام مردان می گیرید، در حالی که امیر المومنین علیه السلام می
فرمایند: (من أخذ دینه من أفواه الرجال أزلته الرجال، ومن أخذ دینه من الكتاب
والسنة، زالت الجبال ولم يزل).

(هر کس که دین خود را از زبان مردان بگیرد مردان او را منحرف می کنند ، ولی هر کس
که دین خود را از کتاب و سنت بگیرد، کوه ها از جای خود منحرف می شوند اما او
پایدار و استوار باقی می ماند).

و چگونه از اهل رأی و گمان پیروی می کنید در حالی که آنها شدید ترین دشمن برای
امام مهدی علیه السلام هستند، و امیر مومنین علیه السلام می فرمایند: (... وينتقم من أهل الفتوى بما
لا يعلموا فتعساً لهم ولأتباعهم، أو كان الدين ناقصاً فتمموه، أم كان به عوجاً فقوموه،

أَمْ هَمَّ النَّاسُ بِالْخِلَافِ فَأَطَاعُوهُ، أَمْ أَمْرَهُمْ بِالصَّوَابِ فَعَصَوْهُ، أَمْ هَمَّ الْمُخْتَارُ فِيمَا أَوْحَى إِلَيْهِ فَذَكَرُوهُ، أَمْ الدِّينُ لَمْ يَكْتَمَلْ عَلَى عَهْدِهِ فَكَمَلُوهُ، أَمْ جَاءَ نَبِيًّا بَعْدَهُ فَاتَّبَعُوهُ ...^(۱).

(...واز اهل فتوی به سبب آنچه که نمی دانند و فتوی می دهند انتقام می گیرد هلاکت برای آنها و پیروانشان باد، آیا دین ناقص بوده و آن را تمام کردند، یا کجی داشته و آن را راست کردند، یا مردم برخلاف دین حرکت کردند و آنها را به اطاعت از دین دعوت کردند، یا آنها را به عمل درست دعوت کردند و نافرمانی کردند، یا انسان مختار را به سمتی که به او وحی شده تذکر دادند، یا دین در زمانش کامل نبوده و آن را تکمیل کردند، یا پیامبری بعد از او آمده و از او پیروی کردند...).

امام باقر علیه السلام، فرمودند: (من أفتى الناس بغير علم ولا هدى من الله لعنته ملائكة الرحمة وملائكة العذاب ولحقه وزر من عمل بفتياه)^(۲).

(هرکس که بدون دانش و هدایت از خدا به مردم فتوی دهد فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب او را لعنت می کنند و گناه هرکس که به فتوی او عمل کرده به او می رسد).

رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمودند: (لست أخاف على أمتي غوغاء تقتلهم، ولا عدواً يجتاحهم، ولكني أخاف على أمتي أئمة مضلين إن أطاعوهم فتنوهم، وإن عصوهم قتلوهم)^(۳).

(برایم از غوغایی که آنها را به قتل می رساند، و از دشمنی که بر آنها تسلط کند نمی ترسم، اما برایم از ائمه گمراه می ترسم که اگر از آنها اطاعت کردند فتنه در بین آنها ایجاد می کنند، و اگر از آنها نافرمانی کردند آنها را به قتل می رسانند).

و رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد طلب علم در آخر زمان فرمودند: (يتفقه أقوام لغير الله وطلباً للدنيا والرئاسة، يوجه القرآن على الأهواء ويصير الدين بالرأي)^(۴).

۱- إلزام الناصب: ج ۱ ص ۱۰۸.

۲- وسائل الشيعة: ج ۱۸ ص ۹.

۳- إلزام الناصب: ج ۱ ص ۱۹۶.

۴- بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۵۷.

مردمی برای غیر خدا و طلب دنیا و ریاست تفقه می کنند، و قرآن با میل توجیه می شود و دین با رأی می شود).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (يكون في أمتي فزعة فيصير الناس إلى علمائهم فإذا هم قردة وخنزير) ^(۱).

(در ائمت آشفتهگی ایجاد می شود پس بسوی علمای خود می شتابند پس بناگاه آنها بصورت میمون و خوک می یابند).

اگر حق از سوی خدای سبحان یکی باشد پس چرا در دین خود متفرق و پراکنده هستید و پراکندگی دلیلی بر پوشاندن حق است، پس اگر حق برای فقهاء مشخص نیست و ملتبس است پس چگونه از آنها پیروی می کنید و آنها حق را از راه خود تغییر می دهند و کلام را از جایگاهش منحرف می سازند و حق را به باطل تبدیل می کنند، و شما آن را می دانید و می گوئید که این مصلحت دینی است، و عالم و دانشمند به مصلحت داناست درحالی که حرام را حلال و حلال را حرام می کند و می گوئید مصلحت دینی است؟ باطل را قبول می کنند و منکر حق می شوند و می گوئید مصلحت دینی است؟ تا کی می مانید و شما از حق چیزی در نمی یابید، کلام قرآن و اهل بیت اطهار علیهم السلام را منکر می شوید و از کلام مردان پیروی می کنید، و در منابع آمده است: (إذا خرج القائم عجل الله تعالی فرجه فليس له عدو مبین إلا الفقهاء خاصة، وهو والسيف أخوان) ^(۲).

(هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه خروج کند هیچ دشمن آشکاری ندارند جز فقه ها مخصوصا، او و شمشیر برادرند).

و در فتوحات مکيه گفت: (دین را برپا می دارد و روح را در اسلام می دمد، و اسلام بوسیله او بعد از خواری عزیز می گردد و بعد از مرگش به آن حیات می دهد، جزیه را جاری می کند و با شمشیر بسوی خداوند دعوت می کند، پس هرکس سرپیچی کرد کشته می شود و هرکس با او در بیفتد خوار و ذلیل می گردد، از دین آشکار می سازد آنچه بر آن بوده که اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله می بود با آن حکم می کرد، تمام مذاهب را از زمین برمی چیند، و هیچ دینی جز دین خالص خدا باقی نمی ماند، و دشمنان او فقه های

۱- الدر المنثور للسيوطي: ج ۶ ص ۶۲.

۲- ينابيع المودة: ج ۳ ص ۲۱۵.

اهل اجتهادند؛ آنگاه که ببینند بر خلاف ائمه ی آنها حکم کند، پس با اکراه و ترس از شمشیر و قدرتش و آرزوی آنچه در دستانش است زیر حکومت او درمی آیند، با آمدنش عموم مسلمین بیشتر از خواص آنها شادمان می شوند، از اهل حقایق عارفان به خداوند متعال از راه شهود و کشف و تعریف الهی با او بیعت می کنند^(۱).

واز امیر مومنین علیه السلام، فرمودند: (فقهاءهم یفتون بما یشتهون وقضاتهم یقولون ما لا یعملون، وأكثرهم بالزور یشهدون، من کان عنده دراهم کان موقراً مرفوعاً، وإن کان مقللاً فهو عندهم موضوع)^(۲).

فقه های آنها به آنچه دلشان بخواهد فتوی می دهند و قاضیان آنها می گویند و عمل نمی کنند، و بیشتر آنها با زور شهادت می دهند، و هرکس که ثروتمند باشد پیش آنها مقام بلند و شایسته دارد، و انسان فقیر کم ارزش است).

واز امام صادق علیه السلام در تفسیر فرمایش خداوند متعال فرمودند: (﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمِنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتظروا إنا منتظرون﴾)^(۳)، یعنی خروج القائم، فإذا ظهر لم يقبل توبة المخالف^(۴).

(اما آن روز که بعضی از آیات پروردگارت تحقق پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند، سودی به حالشان نخواهد داشت! بگو: «اکنون که شما چنین انتظارات نادرستی دارید، انتظار بکشید ما هم انتظار (کیفر شما را) می کشیم!») یعنی خروج قائم علیه السلام و اگر ظهور کرد توبه ی مخالف را نمی پذیرد).

۱- بشارة الإسلام: ص ۲۹۷.

۲- بشارة الإسلام: ص ۷۷.

۳- أنعام: ۱۵۸.

۴- بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۴۹.

وامیر مومنین علیه السلام در شرحی بر این آیه، فرمود: (فعند ذلك ترفع التوبة، فلا توبة تقبل ولا عمل يرفع ولا ينفع نفساً إيمانها لم تكن آمنت من قبل) ^(۱).

(پس در آن هنگام دَرَب توبه بسته می شود، و نه توبه ای و نه عملی پذیرفته می شود و ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند سودی به حالشان نخواهد داشت).

امام صادق علیه السلام فرمودند: (إذا خرج القائم لم يكن بينه وبين العرب وقریش إلا السيف، ما يأخذ منها السيف، وما يستعجلون بخروج القائم؟ والله ما لباسه إلا الغليظ، وما طعامه إلا الشعير الجشب، وما هو إلا السيف والموت تحت ظل السيف) ^(۲).

هنگامیکه قائم قیام کند میان او و عرب و قریش جز شمشیر چیزی نخواهد بود، از آنان چیزی دریافت نخواهد کرد جز شمشیر، و چرا شما به فرارسیدن زمان خروج قائم شتاب می کنید، به خدا قسم لباس او جز جامه درشت و خوراکش جز نان جوین نامطبوع نخواهد بود، و جز شمشیر چیزی در کار نیست و مرگ در سایه شمشیر است (جز شمشیر، و مرگ در سایه آن چیزی در کار نیست).

حال، هنگام قیام قائم توبه برداشته می شود و توبه ای پذیرفته نمی شود، پس بر حذر باشید و از جستجوگران حق محض و خالص از خدا و بسوی خدای متعال باشید و آنها همان اهل بیت و قرآن کریم هستند، و در دین خود تحت تاثیر احساس و عاطفه و ظاهر افراد قرار نگیرید، و از هوای نفس خود پیروی نکنید، زیرا صبح می کنید و بر کرده ی خود پشیمان می شوید.

۳- اسلام غریب است:

اسلام در عصر جاهلیت وجود داشته، و در ادیان آسمانی گذشته متمثل است، اما هر کدام از آنها بر حسب رأی و هوای نفس خویش اسلام را می شناسد، و هر چیزی که مخالف هوی نفس شان باشد آن را از اسلام به حساب نمی آورند، بدان سبب می بینی که در عصر جاهلیت اسلام وجود داشت اما در شناخت حقیقی اسلام ناقص

۱- إلزام الناصب: ج ۲ ص ۱۱۷،

۲- غیبت نعمانی: ص ۲۳۹.

بودند، برای این که آنها از هوی نفس خود پیروی می کردند و به رأی خود عمل می کنند، پس اسلام در بین آنها غریب بود و کسانی که از اسلام پیروی می کردند نیز غریب بودند لذا می بینی که پیامبران و فرستادگان از مردم خود اذیت و آزارهای زیادی دیدند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (إن الإسلام بدأ غريباً وسيعود غريباً فطوبى للغرباء) ^(۱).

(اسلام از ابتدا غریب آغاز شد و دو باره غریب باز می گردد پس خوشا به حال غریبان).

اکنون روشن است که ما در زمان عصر جاهلیت زندگی می کنیم؛ زیرا امروز اسلام مانند عصر جاهلیت غریب مانده است، و هر یک از بزرگان دین برحسب آنچه خود از اسلام تدبر و اندیشه می کند برداشت می کند، و هر کدام از آنها گمان می کند که اسلام او برحق است و غیره باطل هستند!!!

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (يأتي على أمتي زمان لا يبقى من القرآن إلا رسمه، ولا من الإسلام إلا اسمه، يسمون به وهم أبعد الناس عنه، مساجدهم عامرة وهي خراب من الهدى، فقهاء ذلك الزمان شرفقاء تحت السماء، منهم خرجت الفتنة وإلهم تعود) ^(۲).

(زمانی بر امتم خواهد آمد که از قرآن جزء خط آن باقی نخواهد ماند، و از اسلام جز نامش نخواهد ماند، به نام اسلام نامیده می شوند در حالی که آنها دورترین مردم به اسلام هستند، مساجد آنها آباد در حالی که از هدایت خالی هستند، فقه های آن زمان شرورترین فقه ها زیر آسمان هستند، فتنه از آنها خارج می شود و بسوی آنها بازمی گردد).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (يأتي على أمتي زمان لا يبقى مع الإسلام إلا اسمه، ولا من القرآن إلا رسمه، فحينئذ يأذن الله تعالى - له للإمام المهدي عجل الله فرجه - بالخروج، فيظهر الله الإسلام به ويجدده، وطوبى لمن أحبه وتبعه، والويل لمن أبغضه وخالفه) ^(۳).

۱- بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۹۱.

۲- بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۹۰.

۳- ينابيع المودة: ج ۳ ص ۱۰۰.

(زمانی بر امتّم خواهد آمد که با اسلام جز نامش باقی نخواهد ماند، و از قرآن جز خط آن باقی نخواهد ماند، در آن هنگام خداوند متعال به- امام مهدی عجل الله فرجه- اجازه ی خروج می دهد، و اسلام را بوسیله او ظاهر و آشکار می گردد و بوسیله او تجدید می شود، خوشا به حال کسی که اور ادوست بدارد واز او پیروی کند، و وای برکسی که اورا اذیت کند و با او مخالفت کند).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (يأتي على أمتي زمان الصابر منهم على دينه كالقابض على الجمر) ^(۱).

(زمانی بر امتّم خواهد آمد آن که از آنها بردینش بردبار باشد همانند کسی است که آتش گداخته در دست گرفته باشد).

واز امیر مومنین علیه السلام که اهل آخر زمان را توصیف می کند و فرمودند: (مساجدهم يومئذ عامرة من النبي، خراب من الهدى، سكانها وعمارها شر أهل الأرض، منهم تخرج الفتنة وإلهم تأوي الخطيئة، يردون من شذ عنها فيها ويسوقون من تأخر عنها، يقول الله تعالى: في حلفت لأبعثن على أولئك فتنة أترك الحلیم فيها حيران) ^(۲).

(مساجد آنها از لحاظ ساختمان آباد، و ازهدایت خراب و خالی است، ساکنان و اهل آن شرور ترین افراد اهل زمین هستند، فتنه از آنها خارج می شود و گناهان به آنها باز می گردد، و کسی که از آن (فتنه) خارج شده به درون آن می فرستند و کسی که از آن تأخیر کرده به سمت آن سوق می دهند، خداوند متعال می فرماید: به (عزت) خود سوگند خوردم فتنه ای بر آنها خواهم فرستاد که بردبار و شکیبیا در آن سرگردان ترک کنم).

واکنون در زمان ما می بینی که مساجد آنها آبادند و با جدید ترین تکنولوژی ساخته شده اند و برای ساختن هر مسجد مبلغ زیادی خرج می کنند تا این که در آن نام او یاد شود نه ذکر خدای متعال، و برزینت و بنای مساجدشان بر یک دیگر فخر فروشی می کنند تا مردم بگویند مسجد فلانی از مسجد فلانی افضل تر و بر تراست، اکنون مساجد خداوند که کلمه ی لا اله الا الله حقیقی در آنها باشد کجاستند، با تأسف

۱- غیبت - نعمانی: ص ۱۷۳.

۲- بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۵۹.

مساجد آنها از هدایت خالی ست، و دلیل آن این است که هر مسجد اسلامی غیر از اسلام مسجد دیگری دارد، هر مسجدی دارای اسلام خاص و دین خاص و شریعت مخصوص است، با این که می دانند همه آنها خود را به دین یکتا و شریعت واحد و اسلام واحد نسبت می دهند، اگر شماها این چنین باشید پس چرا با هم اختلاف دارید، و رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی شما می فرماید شماها شرورترین افراد از اهل زمین هستید، فتنه از شماها خارج می شود و گناه به شما پناه می برد، چرا از روی هوی و هوس عمل می کنید در حالی که امام صادق علیه السلام می فرماید: (وحدود الهی رامی بینم که تعطیل شده است و از روی هوی و هوس به آن عمل می شود).

وامیر مومنین علیه السلام، فرمودند: (لا يظهر القائم حتى يكون أمور الصبيان، وتضيع حقوق الرحمن، ويتغنى بالقرآن) ^(۱).

(قائم ظهورنی کند تا زمانی که امور در دست جوانان قرار بگیرد، و حقوق خدای رحمان فراموش شود، و قرآن با آواز خوانده شود).

آیا در حال حاضر امر برای جوانان نیست و حقوق رحمان فراموش شده؟! و کدام حق برای خدای رحمان باقی مانده است و امام باقر علیه السلام می فرمایند: (يقبل الورع، ويكثر الطمع، ويؤري المؤمن صامتاً لا يقبل قوله، والكاذب يكذب ولا يرد عليه كذبه، والفاسق يمتدح بالفسق لا يرد عليه قوله) ^(۲).

(پر هیزگاری کم می شود، و طمع زیاد می شود، و مومن را می بینی که سکوت اختیار کرده و کسی سخنان او را قبول ندارد، در حالی که دروغگو دروغ می گوید و کسی بر او اعتراضی نمی کند، و فاسق به فسق خود افتخار می کند و کسی بر او اعتراضی نمی کند).

و امام صادق علیه السلام فرمودند: (... ورأيت المؤمن محزوناً محتقراً ذليلاً، ورأيت البدع والزنا قد ظهر، ورأيت الناس يقتدون بشاهد الزور، ورأيت الحرام يحلل، ورأيت الحلال يحرم، ورأيت الدين بالرأي وعطل كتاب الله وأحكامه، ورأيت الليل لا يستحي به من

۱- دلائل الإمامة - للطبري: ص ۴۷۳.

۲- بشارة الإسلام: ص ۲۳.

الجراءة على الله، ورأيت المؤمن لا يستطيع أن ينكر بقلبه، ورأيت العظيم من المال ينفق في سخط الله عز وجل، ورأيت الولاة يقربون أهل الكفر ويباعدون أهل الخير، ورأيت الولاة يرتشون في الحكم، ورأيت الولاية قبالة لمن زاد^(۱).

(... دیدی مومن اندوهگین و تحقیر شده و ذلیل است، و دیدی بدعت و زنا آشکار می شود، و دیدی مردم به شاهد زور اقتدا می کنند، و دیدی حرام حلال شود، و حلال حرام شود، و دیدی دین به رأی شود و کتاب خدا و احکامش تعطیل شود، و دیدی در شب از جسارت به خداوند شرم نمی کنند، و دیدی مومن نمی تواند در قلبش انکار کند، و دیدی اموال فراوانی در غیر از رضای خدا انفاق شود، و دیدی قاضیان به اهل کفر نزدیک شده و از اهل خیر و نیکی دوری می کنند، و دیدی قاضیان در قضاوت رشوه گیرند، و دیدی مسئولان نسبت به ثروتمندان روی آورند).

جنگ ضد امام مهدی علیه السلام

به زمان حال ما نگاه کن ملاحظه می کنی که بیشتر مردم دارند با امام مهدی علیه السلام می جنگند بدون این که آگاه باشند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله ، فرمودند: (یأتي على الناس زمان همهم بطونهم، وشرفهم متاعهم، وقبلتهم نساءهم، ودينهم دراهمهم ودنانيرهم، أولئك شر الخلق لا خلاق لهم عند الله) ^(۱).

(بر مردم زمانی خواهد آمد که هم و غم شان شکم شان باشد، و مال و ثروت شان افتخارشان باشد، و قبله ی آنها زنان شان باشد، و دین آنها درهم و دینارشان باشد، آنها ثروتمندترین مردم هستند و نزد خداوند ارزشی ندارند).

و از او صلی الله علیه و آله ، فرمودند: (يصبح الرجل مؤمناً ويمسي كافراً، ويمسي مؤمناً ويصبح كافراً، يبيع أحدكم دينه بعرض من الدنيا قليل) ^(۲).

(مرد صبح مومن است و شب کافر، و شب مومن است و صبح کافر می شود، هر یک از شما دین خود را در مقابل چیزی بی ارزشی به دنیا می فروشد).

و از او صلی الله علیه و آله ، فرمودند: (إذا كثرت الجور والفساد وظهر المنكر وأمرت أمتك به ونهي عن المعروف وينكرون الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر) ^(۳).

و از او فرمودند: (هنگامی که ظلم و فساد زیاده شود و منکر آشکار شود و امتت به آن امر شوند و از معروف نهی شوند و امر به معروف و نهی از منکر را انکار کنند).

و از او صلی الله علیه و آله ، فرمودند: (وغار الصدق، وفاض الكذب، واستعملت المودة باللسان، وتشاجر الناس بالقلوب، وصار الفسوق نسباً والعفاف عجباً، ولبس الإسلام لبس الفرو مقلوباً) ^(۴).

۱- منتخب الأثر: ص ۴۳۸.

۲- مجمع الزوائد - للهيثمی: ج ۷ ص ۳۰۱.

۳- انظر: إلزام الناصب: ج ۱ ص ۱۸۷.

۴- نهج البلاغة - محمد عبده: ج ۱ ص ۲۰۹.

(راستگویی از بین برود و دیده نشود، و دروغگویی زیاد شود، و موذت و دوستی فقط با زبان استعمال می شود، و مردم در دل باهم اختلاف و کشمکش دارند، و فسق اصل شود و عفاف مایه ی تعجب شود، و احکام اسلامی برعکس نشان داده می شود مانند کسی که لباس چرم را برعکس بپوشد).

واز او صلی الله علیه و آله ، فرمودند: (يكون هلاك الرجل على يد أبويه، فإن لم يكن له أبوان فعلى يد زوجته وولده، فإن لم يكن له زوجة وولد فعلى يد قرابته وجيرانه ... ويعيرونه - أي الرجل - بضيق المعيشة ويكلفونه ما لا يطيق حتى يوردوه موارد الهلكة) ^(۱).

(هلاک مرد بدست والدین او خواهد بود، اگر پدر و مادر نداشته باشد بدست همسر و فرزندان او خواهد بود، و اگر همسر و فرزند نداشته باشد بدست نزدیکان و همسایگان... و تنگی معیشت را به رخس می کشند و به چیزهایی که در توان او نیست مکلف می کنند تا جایی که او را به راه های هلاک وارد می کنند).

واز او صلی الله علیه و آله ، فرمودند: (يفتري الولد على أبيه، ويدعو على والديه، ويفرح بموتهما) ^(۲).

(فرزند بر پدرش کذب و افتراء می کند، و بر والدین دعا (نفرین) می کند، و به مرگ شان خوشحال می شود).

واز او صلی الله علیه و آله ، فرمودند: (يحسد الرجل أخاه، ويسب أباه، ويتعامل الشركاء بالخيانة) ^(۳).

(مرد به برادرش حسد می ورزد، و به والدین خود سب و شتم می کند، و شریکان در معاملات به یکدیگر خیانت می کنند).

واز امام صادق علیه السلام ، فرمودند: (ورأيت القمار قد ظهر، ورأيت الشراب يباع ظاهراً ليس له مانع) ^(۴).

(و دیدی که قمار بازی آشکار گردد، و دیدی شراب آشکارا خرید و فروش شود و کسی مانع آن نشود).

۱- منتخب الأثر: ص ۴۳۷.

۲- بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۵۹.

۳- بشارة الإسلام: ص ۲۳.

۴- کافی: ج ۸ ص ۳۷ - ۴۲.

همانطور که امروزه می بینیم مردم بوسیله ی دستگاه ماهواره [اینترنت] در یک ساعت می توانند همه ی فساد جهان را تماشا کنند!!

رسول خدا صلى الله عليه وآله، فرمودند: (تقسم أموال ذوي القربى تقسم بالزور، ويتقامر عليها، وتشرب بها الخمر)^(۱)، وهي أموال الخمس.

(واموال اهل بيت(ذوی القربى)به زور تقسیم می شود، و برآن قمار بازی می کنند، و برای نوشیدن شراب مصرف می کنند) وآن اموال خمس است.

رسول خدا صلى الله عليه وآله، فرمودند: (لتركبن سنن من كان قبلكم شبراً بشبر وذراعاً بذراع، لو أن أحدهم دخل في جحر ضب لدخلتم فيه، وحتى أن أحدهم لو جامع امرأته في الطريق لفعلتموه)^(۲).

(سنن و آداب گذشتگان وجب به وجب و زراع به زراع بر شما مستولی و چیره می شود، حتی اگر یکی از آنها وارد سوارخ کفتار مخفی شده باشد شما نیز وارد می شوید، تا آنجایی که اگر یک نفر با همسرش در راه نزدیکی کند شما هم همین کار را انجام خواهید داد).

وامام صادق عليه السلام فرمودند: (ورأيت الأمر بالمعروف ذليلاً، والفاسق فيما لا يحب الله قوياً محموداً)^(۳).

(و دیدی امر به معروف کننده خوار و ذلیل شود، و فاسق را در انجام کارهایی که خداوند دوست ندارد قوی و ستایش شود).

واز امام باقر عليه السلام، فرمودند: (.. سيخرجون أقوام من دين الله أفواجا كما دخلوا فيه..)^(۴).

(...اقوامی گروه گروه از دین خدا خارج خواهند شد همانطوری که وارد شدند...).

۱- المصدر السابق ص ۳۷ - ۴۱.

۲- بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۴۰.

۳- بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۵۶.

۴- اختيار معرفة الرجال: ج ۱ ص ۲۷۵.

امیر مؤمنین علیه السلام، فرمودند: (ویكون أهل ذلك الزمان وجوه جميلة وضمائر ردية، من رآهم أعجبه، ومن عاملهم ظلّموه) ^(۱).

(ومردم آن زمان صورتی زیبا و دل و باطنی ناپسند دارند، هرکس آنها را ببیند پسند کند، و هرکس با آنها معامله کند به او ظلم می کنند).

واز ابن عباس، فرمودند: (یبعث الله المهدي بعد إياس وحتى يقول الناس: لا مهدي...) ^(۲).

(خداوند مهدی را بعد از یاس و ناامیدی مردم مبعوث می کند و حتی مردم می گویند: مهدی وجودی ندارد...).

رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمودند: (... وذلك - يعني خروج القائم - حين تغير البلاد، وضعف العباد، وإیاس من الفرج، وعند ذلك يظهر القائم منهم ...) ^(۳).

(...وآن - یعنی خروج قائم - آنگاه که کشورها تغییر می کنند، و بندگان ضعیف می شوند، و از فرج ناامید می گردند، و در آن زمان مهدی از (بین) آنها ظهور می کند...).

واز امیر مؤمنین علیه السلام، فرمودند: (... ويطيع الرجل زوجته ويعصي والديه ويجفوهما ويسعى في هلاك أخيه وترفع أصوات الفجار ...) ^(۴).

(...و مرد از همسرش فرمانبری می کند و از والدین خود نا فرمانی می کند و به آنها ظلم و ستم می کند و برای هلاک برادرش تلاش می کند و صدای انسان های فاجر (زناکار) بلند شنیده می شود...).

واز او صلی الله علیه و آله، فرمودند: (لعن الله الرجل يلبس لبسة المرأة، والمرأة تلبس لبسة الرجل) ^(۵).

۱- إلزام الناصب ج ۲ ص ۱۶۱.

۲- الملاحم والفتن: ص ۵۰.

۳- الأمالي - الشيخ الطوسي: ص ۳۵۱ - ۳۵۲.

۴- إلزام الناصب: ج ۲ ص ۱۶۲.

۵- میزان الحکمة للريشهري: ج ۲ ص ۱۴۰۸.

خداوند مردی که لباس زن می پوشد، و نیز زنی که لباس مرد را می پوشد لعنت کند).

واز او صلی الله علیه و آله، فرمودند: (کیف بکم إذا فسد نساءکم، وفسق شبانکم، ولم تأمروا بالمعروف بل أمرتم بالمنکر ونهیتم عن المعروف، وإذا رأیتم المعروف منکراً والمنکر معروفاً، فقیل له: ویكون ذلك یا رسول الله؟ فقال: نعم، وشر من ذلك ...) ^(١).

(چگونه خواهید بود هنگامی که زنان شما فاسد شوند، و جوانان شما فسق کنند، و به معروف امر نمی کنید بلکه به منکر امر می کنید و از معروف نهی می کنید، هنگامی که معروف را منکر و منکر را معروف ببینید، پس به او گفتند: یا رسول الله اینها وجود دارد؟ پس فرمودند: بله، بدتر از اینها...).

واز امیر مومنین علیه السلام، فرمودند: (یظهر فی آخر الزمان واقتراب الساعة - وهو شر الأزمنة - نسوة کاشفات عاریات، متبرجات من الدین، داخلات فی الفتن، مائلات إلى الشهوات، مسرعات إلى اللذات، مستحلات للمحرمات، فی جهنم خالدات [داخلات]) ^(٢).

(در آخر زمان و نزدیکی ساعت [قیامت] - و آن بدترین زمان هاست - آشکار می شود زنان لخت و عریان، رنگ و صبغه دینی دارند، در داخل فتنه ها هستند، به شهوت ها میل دارند، به سوی لذت ها سرعت دارند، چیزهای حرام را حلال می کنند، در جهنم خالد و همیشگی هستند [وارد جهنم می شوند])

واز رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمودند: (سألت أخی جبرائیل: أتزل بعد إلى دنیا؟ قال: نعم، أنزل عشر مرات وأرفع جواهر الأرض، قلت: وما ترفع؟ قال: فی المرة الأولى أرفع البركة من الأرض، وفي المرة الثانية أرفع الشفقة من قلوب العباد، وفي المرة الثالثة أرفع الحياء من النساء، وفي المرة الرابعة أرفع العدل من أولی الأمر، وفي المرة الخامسة أرفع المحبة من قلوب الخلائق، وفي المرة السادسة أرفع الصبر من الفقراء، وفي المرة السابعة أرفع السخاوة من الأغنیاء، وفي المرة الثامنة أرفع العلم من العلماء، وفي المرة التاسعة أرفع

١- بحار الأنوار: ج ٥٢ ص ١٨١.

٢- من لا یحضره الفقیه - الشیخ الصدوق: ج ٣ ص ٣٩٠.

القرآن من المصاحف ومن قلوب القراء، وفي المرة العاشرة أرفع الإيمان من قلوب أهل الإيمان^(۱).

(از برادرم جبرائیل سؤال کردم: آیا بعد از من بر دنیا نازل می شوی؟ فرمودند: بله، ده مرتبه نازل می شوم وجواهرات زمین را بالا می برم، گفتم: وجه چیزی را بالامی بری؟ فرمودند: در مرتبه ی اول برکت را از زمین بالامی برم، ودر مرتبه ی دوم شفقت و مهربانی را از دل بندگان بالامی برم، ودر مرتبه ی سوم شرم و حیاء را از زنان بالامی برم، ودر مرتبه چهارم عدل را از اولی الامر بالامی برم، ودر مرتبه پنجم محبت را از دل مردم بالا می برم، ودر مرتبه ششم صبر را از فقراء بالا می برم، ودر مرتبه هفتم سخاوت را از ثروتمندان بالامی برم، ودر مرتبه هشتم علم را از علما بالامی برم، ودر مرتبه نهم قرآن را از مصاحف و دل های قاریان بالامی برم، ودر مرتبه دهم ایمان را از دل اهل ایمان بالامی برم).

اگر از خودمان پرسیم چرا خداوند به جبرائیل امر می کند که بعد از رسول خدا صلى الله عليه وآله ده مرتبه بر زمین نازل شود وجواهرات زمین را بردارد...؟ زیرا برای هر چیزی قانونی وجود دارد، و برای هر قانونی حکم خاصی است، و این حکم ممکن است از نفس وهوی خودشان باشد یا از سوی خداوند سبحان باشد. و حکم حقیقی همان حکم خداوند است، و خداوند سبحان بر حسب قانون عادلش حکم می کند، پس اگر کسی بر خلاف قانون الهی عمل کند مجازاتش بوسیله ی خداوند متعال می شود، لذا می بینیم به سبب مخالفت مردم باقانون الهی خداوند به جبرائیل برای بالا بردن جواهرات زمین امر می کند.

و خداوند متعال می فرماید: ﴿الْمَّ اَعْهَدُ اِيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ﴿۱﴾ وَاَنْ اَعْبُدُوْنِيْ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿۲﴾.

(آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! و اینکه مرا پرستید که راه مستقیم این است؟!)

۱- مئتان وخمسون علامة / العلامة ۲۸ ص ۹۲ - ۹۳.

۲- یس: ۶۰ - ۶۱.

اکنون اگر بخواهیم به امام مهدی علیه السلام و شناختش برسیم پس باید طناب ها و زنجیرهای شهوات نفسانی که ما را به دنیا وابسته می کنند را قطع کنیم، و هر انسانی امروزه بنده است اما خود احساس نمی کند، پس اگر از روی صدق خواهان امام هستیم ما باید خود را از خواری عبودیت هوی و عبادت شخصیت ها آزاد کنیم و شهوات و امیال مادی را ترک کنیم، و به قانون خداوند متعال و آن همان قرآن و عترت علیهم السلام است عمل کنیم، و هر کس که به آنها تمسک جوید هرگز گمراه نمی شود، و هر کس که آنها را ترک کند از راه و طریق خداوند متعال را گم می شود، به غیر از کتاب و عترت علیهم السلام از چیز دیگری پیروی نکنیم؛ زیرا آنها وسیله و درج نجات و طریق مستقیم بسوی خداوند متعال هستند، و هنگامی که مدعی ادعای حق بسوی خدا کند و با قرآن و عترت علیهم السلام بسوی ما بیاید لذا برما لازم است که از حقیقت این مدعی تحقیق و جستجو کنیم، پس اگر سخنانش از قرآن باشد او صادق است، و اگر کلامش خارج از قرآن و عترت علیهم السلام باشد پس او از اهل حق نیست؛ زیرا ما می دانیم که حق حقیقی و ثابت شده و معین از سوی خداوند متعال آن همان قرآن و عترت علیهم السلام است.

و خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^(۱). آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خود داری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا پرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

و خداوند متعال می فرماید: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾^(۲). کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده ایم [= یهود و نصاری] آن را چنان که شایسته آن است می خوانند؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان می آورند؛ و کسانی که به او کافر شوند، زیان کارند.

۱- حشر: ۷.

۲- بقره: ۱۲۱.

و خداوند متعال می فرماید: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبُاسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزَلِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾^(۱). (آیا گمان کردید داخل بهشت می شوید، بی آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که گرفتاریها و ناراحتیها به آنها رسید، و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی خواهد آمد؟!») (در این هنگام، تقاضای یاری از او کردند، و به آنها گفته شد: آگاه باشید، یاری خدا نزدیک است!)

و خداوند متعال می فرماید: ﴿كَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ﴾^(۲). (ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم؛ و رسولانی به سوی آنها فرستادیم؛ ولی هر زمان پیامبری حکمی بر خلاف هوسها و دلخواه آنها می آورد، عده‌ای را تکذیب می کردند؛ و عده‌ای را می کشتند.)

و خداوند متعال می فرماید: ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿۱﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿۲﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ﴿۳﴾ ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُؤًا﴾^(۳). (بگو: «آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده؛ با این حال، می پندارند کار نیک انجام می دهند!» آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند؛ به همین جهت، اعمالشان حبط و نابود شد! از این رو روز قیامت، میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد!)

۱- بقره: ۲۱۴.

۲- مائده: ۷۰.

۳- کف: ۱۰۳ - ۱۰۶.

والحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أشرف الخلق محمد وآله الطيبين
الطاهرين.

شيخ محمد حريشاوي

٢٠ / جمادي الأول / ١٤٢٥ هـ

فهرست

۵	هدیه
۷	مقدمه
۹	وجود امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۲	شناخت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۹	صراط مستقیم
۲۰	تعیین حق :
۲۳	اظهار و روشن سازی حق :
۲۳	عصر جاهلیت :
۲۴	عصر حاضر و دشمنان امام مهدی <small>علیه السلام</small> :
۴۲	جنگ ضد امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۱	فهرست